

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۲۵ مارچ ۲۰۲۵

نو روز و سفره خالی زحمتکشان:

تنها انقلاب پرولتری می تواند جامعه را از این فاجعه نجات دهد

سفره خالی زحمتکش در شب جشن نوروز، شبی که پشت سر نهادن سردی زمستان و فرا رسیدن بهاران توسط مردم ایران و برخی دیگر از مردم منطقه جشن گرفته می شود، قلب های بسیاری را به درد می آورد. اما تا زمانی که این حکومت و هر حکومت ارتجاعی دیگر با چنین ماهیتی در قدرت باشد، چشم اندازی برای بهبود شرایط وجود ندارد. چه بسا که شرایط دردناک تر شود و فراتر از آن تصویر دهشتناکتری از سوء تغذیه نسل های بعدی جامعه به نمایش گذارده شود.

در دهه های اخیر فقر گسترش بسیار بیشتری یافته و هر ساله خط فاصل بین خط فقر تا حد متوسط کل جامعه بسیار کمتر می شود. این بدان معناست که اکثریت وسیعی از جامعه یا زیر خط فقر قرار دارند و یا با خط فقر فاصله چندانی ندارند. این فاصله هر ساله و حتی هر ماه کمتر می شود و بخش وسیع تری از جامعه به کام فقر فرو می رود. دستمزد ها در سال گذشته بین ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش یافته ولی تورم بین ۴۰ تا ۵۰ درصد بالا رفته است. به تمامی این مشکلات باید کاهش ارزش ریال را نیز افزود که تأثیرات مهمی بر افزایش قیمت ها می گذارد. از زمانی که پزشکيان به مقام ریاست جمهوری رسیده است قیمت دلار از ۶۰ به ۹۷ هزار تومان افزایش یافته است. مصرف گوشت و مرغ و ماهی به کنار حتی مصرف کالاهای اساسی مانند نان و شکر و چای بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش یافته است. حد متوسط مصرف خانوار نسبت به سال ۸۶ بیش از ۲۵ درصد کاهش یافته. این در حالی است که خط فقر به ۲۰ میلیون تومان و حقوق رسمی کارگر در سال جدید ۱۵ میلیون تومان میباشد (در این میان اکثریت قریب به اتفاق مردم باید از این مبلغ کرایه خانه را نیز پرداخت کنند). البته باید در نظر داشت که بررسی سطح فقر در میان زحمتکشان با رجوع به ارقام میانگین کل جامعه اساساً ممکن نیست. در ایران مصرف گوشت ۳۲ درصد، ماهی ۵۲ درصد، شبات ۷۰ درصد، شیر ۳۷ درصد کاهش یافته اند. یعنی این اقلام از سبد غذایی بیش از ۵۰ درصد اقشار جامعه حذف شده است. رژیم درآمد ۲۰ میلیون تومان برای یک خانواده را مبنای بالای خط فقر بودن قرار می دهد. اما بر طبق نظر بسیاری از تحلیل گران اقتصادی این رقم باید بالای ۳۵ میلیون تومان باشد. حقوق و مزایای کارگران، پرستاران، معلمان، کارمندان خصوصی و دولتی، بازنشستگان، درجه داران و افسران رده پایین و قشر عظیم بیکار که با قطع برق ها و بالا رفتن قیمت ها و همچنین با تعطیلی مراکز کوچک و متوسط تولیدی افزایش یافته اند، توسط خود دولت کمتر و در

مواردی حتی ۶۰ درصد کمتر از مقدار خط فقر، محاسبه گشته است. سوء تغذیه بطور جدی بیش از نیمی از جامعه را تهدید می کند. فقر و فلاکت روز افزون مردم و بخصوص طبقات زحمتکش جامعه تنها مربوط به شب عید نیست بلکه شب عید این فقر گسترده را بیش از هر زمان دیگر نمایان می سازد و بیش از هر زمان دیگر طلب راه و چاره برای این مشکل را برجسته می کند

برعکس آنچه برخی تصور می کنند و یا می خواهند بقبولانند مشکل اساسی تنها در مدیریت و نا کارآمدی رژیم نیست بلکه بسیار فراتر از آن است. این شرایط اقتصادی اسفباری که دامن اکثریت مردم جامعه را در بر گرفته است نتیجه وجود سیستمی است که بر اساس وابستگی به امپریالیسم (چه وابستگی به امپریالیست های غربی و چه امپریالیست های شرقی) و مناسبات استثمار سرمایه داری قرار دارد. مناسباتی که همه چیز بر مبنای سود و استثمار سازمان دهی شده و نتیجه کار و زحمت اکثریت توده های مردم یا در جیب مافیاهای سرمایه می رود و یا در راه و خدمت به حفظ این مناسبات سرمایه داری صرف می شود. بنابراین هرگونه تغییری که فقط مسئله مدیریت و کارآمدی در چارچوب مناسبات سرمایه داری و وابستگی به سرمایه داری باشد، باعث تغییری اساسی در موقعیت مردم نخواهد شد.

جمهوری اسلامی برای حفظ قدرت خود هزینه های نظامی بسیاری را صرف دستگاه های سرکوب و قدرت منطقه ای خود می کند. هزینه هایی رژیم در چند دهه گذشته در منطقه در رقابت و تضاد با رقبای منطقه ای از جیب مردم و دسترنج توده ها فراهم می شود یا به عبارت دیگر از سفره مردم و بویژه از سفره توده های وسیع زحمتکشان به سرقت می رود. هر حکومت ارتجاعی که بر اساس مناسبات استثمار قدرت را در دست داشته باشد و در دست بگیرد، مبلغ عظیمی را صرف دستگاه های سرکوب و همچنین جنگ های خارج از مرز می کند. جنگ های خارج از مرزها بخش مهمی از حفظ قدرت طبقات ارتجاعی است. امروز با توجه به تشدید تضادها میان امپریالیست ها این مسئله بیش از پیش قابل رویت است. کشورهای امپریالیستی نیز بخش مهمی از بودجه خود را تحت عنوان " هزینه دفاعی " صرف جنگ و کشت و کشتار توده های مردم در کشورهای تحت سلطه و تحت نفوذ خود و یا برای گسترش بخشیدن به مناطق تحت نفوذ خود می کنند، به همین دلیل است که در این دوران تشدید تضادهای امپریالیستی بودجه های رفاهی در این کشورها تغییر جهت داده و هر چه بیشتر بسمت بودجه های جنگی و دفاعی منحرف می شوند.

همچنین در چند دهه گذشته پدیده استفاده امپریالیست ها از قدرت های ارتجاعی به عنوان نیروهای نیابتی در مناطق بحرانی جهان افزایش یافته است. بدین گونه بخشی از هزینه جنگی امپریالیستی توسط نیروهای نیابتی آنها تامین می شود پدیده ای که با دکترین نیکسون مبنی بر ایجاد ژاندارمهای منطقه ای وارد مرحله نوینی شد. و محمد رضا شاه جز اولین کاندیداهای چنین ژاندارمی بود. او نیز همچون جمهوری اسلامی میلیاردها دلار از ارز کسب شده توسط فروش نفت و همچنین از جیب مردم ایران را صرف قدرت نظامی خود و کمک به اسرائیل و همچنین بعهده گیری سرکوب انقلابیون ظفار در عمان البته در خدمت به امپریالیست های غربی کرد. دکترین نیکسون از آن زمان تا کنون دچار تغییر و تحولاتی بیشتری شده است و به اشکال دیگری خود را می نمایاند که نفوذ قدرت های ارتجاعی منطقه مانند تلاش پاکستان برای نفوذ در افغانستان و بنگلادش و یا تلاش جمهوری اسلامی و ترکیه و عربستان سعودی در خاورمیانه نیز در زمره چنین تلاش هایی است. بنابراین مسئله و بحرانی که اینک گریبان مردم ایران را گرفته است تنها در جمهوری اسلامی خلاصه نمی شود بلکه مسئله آن مناسبات استثمار و وابستگی به امپریالیستها (چه امپریالیست های غربی و چه امپریالیست های شرقی) می باشد که جمهوری اسلامی بخشی از آن است. بنابراین با تغییر رژیم و یا به عبارت دیگر با تغییر مدیریت اوضاع فقر و فلاکت مردم بهبود نخواهد یافت بلکه با سرنگونی انقلابی این سیستم استثمار و جایگزینی آن با یک نظام نوین و سازماندهی مناسبات و روابط اقتصادی نوین و انقلابی

بر اساس نیاز و منافع توده های مردم است که می توان به شرایط فلاکت بار و فقر و ستم توده ها پایان داد. تنها یک انقلاب پرولتری که هدفش ایجاد جامعه سوسیالیستی و حرکت بسمت جامعه کمونیستی یعنی جامعه ای بدون ستم و استثمار است از عهده چنین امری برخوردار آمد و خواهد توانست جامعه را از این فاجعه نجات دهد.

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران

۲ فروردین-حمل- ۱۴۰۴